

اولین پلیس‌های تخصصی مرز

زنان مرزبان در ایستگاه بازرسی دوغارون درجه‌گروهبانی دارند و جزو اولین پلیس‌های تخصصی مرز محسوب می‌شوند. آن‌ها در دانشکده افسری تهران در رشته مرزبانی، دوره یک‌ساله گذرانده‌اند و چون ساکن شهرهای مرزی هستند، برای خدمت به اینجا انتخاب و درنهایت استخدام شده‌اند. دهه هفتادی هستند؛ قبراق و سرحال و با حواسی جمع و البته با احترام تمام، مسافران ورودی و خروجی مرز را بازرسی می‌کنند. از ساعت ۷ صبح، وارد اتاق بازرسی بانوان در ایستگاه ۱۷ شهرپور می‌شوند و تا حدود ساعت ۵ و ۶ عصر که مسافران از مرز وارد یا خارج می‌شوند، ایستاده به فعالیت مشغول‌اند.

دوسال از حضورشان در این ایستگاه می‌گذرد و نکته جالب‌توجه درباره آن‌ها این است که یکی از اقوام دورپان‌دیکشان مرزبان بوده است و جسارت حضور و خدمت در مرز را از پشتیبانی خانواده‌هایشان هم دارند.

گروهبان مهسا کوهزاد و همسرش که دوسال از زندگی مشترکشان می‌گذرد، هر دو در مرز خدمت می‌کنند، می‌گوید: ما اولین افرادی از ایران هستیم که با مسافران در ورودی کشور روبه‌رو می‌شویم و درواقع نماینده تمام ایرانی‌ها در برخورد و رفتار، بنابراین باید دوستانه برخورد کنیم.

البته همیشه هم بازرسی‌های آن‌ها آرام و ملایمت‌آمیز به پایان نمی‌رسد و موارد مشکوک را تا رسیدن به نتیجه، نگه‌می‌دارند و به حرف می‌گیرند.

مهارت چهارذنی

آن‌ها معتقدند مهم‌ترین مهارتشان «چهره‌زنی» است. چیزی که در دوره دانشکده در کنار شناختن مرزها و نوع بازرسی آموخته‌اند و در این دوسال کار، در آن ماهرتر هم شده‌اند. گروهبان محدثه دهقانی اهل تربت‌جام است. شوخ‌طبع است و پرائزژی. می‌گوید: ابزار کار ما دستانمان است و چشمانمان که هم‌زمان باید با هم کار کنند.

درواقع آن‌ها مانند ربات، چهره‌ها را در یک نگاه اسکن می‌کنند و درصورت لزوم به بازرسی بدنی می‌پردازند. در این میان، کافی است در چهره مسافری استرس، پریدیگی رنگ یا لرزش دست ببینید یا نگاهی از چشم‌های آن‌ها بگریزد، آن‌گاه بازرسی‌ها و سؤال و جواب‌ها طولانی‌تر می‌شود و تا رسیدن به نتیجه ادامه می‌یابد. گروهبان می‌گوید: پیش‌آمده که تا یک ساعت ونیم با زنی که مشکوک به قاچاق بچه بوده، حرف زده‌ایم و بالاخره به جرمش اعتراف کرده است. گاهی هم پیش‌آمده که کنار زنان افغان نشست‌ه‌ایم و آن‌ها درباره زندگی‌شان حرف زده‌اند، حتی عکس‌های عروسی‌شان

را هم به‌مانشان داده‌اند.

گروهبان زهره نوروزی هم که حدود یک ماه از حضورش در مرزبانی می‌گذرد، اضافه می‌کند: تا بخواهی از یک نفر حرف بکشی که راستش را بگوید و به مورد غیرقانونی اعتراف کند، باید آن قدر حرف بزنی تا راستش را بگوید. آن‌ها التماس می‌کنند وزیر بار نمی‌روند ولی ما هم مجبوریم کار درست را انجام بدهیم.

از ضبط طلاهای غیرقانونی تا قاچاق کودک

از چند ماه پیش که دستگاه «ایکس‌ری» (اسکن کامپیوتری) به ایستگاه مرزی هفده‌شهرپور رسیده، سختی کار بازرسان تعدیل شده است. مسافران ورودی و خروجی مرز، تمام وسایلشان را برای بررسی داخل این دستگاه می‌گذارند و فقط برای بررسی پاسپورت‌ها و بازرسی بدنی، باید وارد اتاق بازرسی شوند. بنابراین قاچاق مواد مخدر را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تخلفاتی که بازرسان در هنگام بازرسی با آن روبه‌رو می‌شوند،

لیلا کوچک‌زاده

«هیچ کس، مرزبانان زن را در مرزها نمی‌شناسد و همه می‌گویند مگر مرز، زن هم دارد!؛ جایی در هجده کیلومتری شهرستان تایباد که فقط صدکیلومتر با شهر هرات فاصله دارد. درست

در نقطه‌ای که شاید هر روز خبرهای کشف مواد مخدر، قاچاق سوخت و حتی حمله مسلحانه در آن به گوش می‌رسد، زنانی حضور دارند که شانه به شانه مردها در مرزبانی خدمت می‌کنند. روایتی که می‌خوانید، احتمالا تا به حال نشنیده‌اید و برای خودمان هم عجیب بود، اما حقیقت دارد و ما



روایت نیم‌روزی از حضور در مرز ایران و افغانستان و زنانی که جزو اولین پلیس‌های تخصصی مرزبانی هستند

زنان مرزبان، مردانه پای کار

داستان سفر یک روزه به مرز دوغارون و ایستگاه بازرسی هفده‌شهرپور را برای شما روایت کرده‌ایم و پای خاطرات سه مرزبان زن جوان در اتاق ۹ متری بازرسی بانوان نشست‌ه‌ایم. اتاق پر از گل و گیاهی که روزانه بین پانصد تا هزار زن مسافر باید برای بازرسی از آن بگذرند.

گروهبان دارد. آن هم وقتی می‌نشویم روزانه نزدیک به هزار زن وارد این اتاق می‌شوند. یعنی چیزی حدود یک‌سوم تمام مسافران ایستگاه بازرسی دوغارون. گروهبان کوهزاد در همین رابطه می‌گوید: خیلی از این خانم‌ها در هنگام بازرسی بدنی، شروع به دادوبیداد می‌کنند و از این کار خوششان نمی‌آید. اما ما باید طبق قانون کشورمان رفتار کنیم و مجبوریم ساکت باشیم. البته ما به آن‌ها حق می‌دهیم. در کشور خودشان به آن‌ها بسیار سخت می‌گذرد ولی کردن این راه طولانی هم خسته‌شان می‌کند و از طرفی در راه، چندبار بازرسی می‌شوند. انگار در آخرین مرحله که به این ایستگاه می‌رسند، منفجر می‌شوند و خستگی و ناراحتی‌هایشان را سر ما خالی می‌کنند.

یکی از همین زنان خسته و بیشتر باید گفت درمانده، برای بازرسی وارد اتاق می‌شود. از هرات می‌آید و رنگش به شدت پریده است و بریده بریده حرف می‌زند. گروهبانان می‌پرستند از کی چیزی نخوردی

او با گویش خودشان که برای ما قابل فهم است، می‌گوید: از صبح دلش برنمی‌داشته چیزی بخورد. می‌پرستد مشکلی داری و او می‌گوید که بیمار است و دکترهای افغانستان به او گفته‌اند، برای درمان به مشهد یا پاکستان برود. گروهبان‌ها در بازرسی بدنی زن هراتی، متوجه چیزی غیرعادی می‌شوند. اما مشخص می‌شود که زن دچار سرطان شده است.

مسافران هراسان هرات

بیشتر مسافران مرز دوغارون از هرات رسیده‌اند. هراتی که این روزها، روستاهای خشت و گلی‌اش را زلزله سهمگین درنور دیده و حرف‌های زنان افغان هم درباره وضعیت اسف‌بار زلزله‌زدگان است. خانم‌های گروهبان می‌گویند که شدت زلزله در همین مرز دوغارون آن قدر زیاد بوده که انگار یک نفر تکانشان می‌داده و نمی‌توانسته‌اند سر پا بایستند. خانم میان‌سال خوش‌پوش و خوش‌برخوردی وارد اتاق می‌شود. خستگی

راه در صورتش پیداست و موهای سرش زیر روسری به هم چسبیده است. می‌گوید که برای دیدن اقوامش از هامبورگ آلمان به هرات رفته که زلزله شده است، فرزندانش بسیار نگران هستند و دائم با او تماس می‌گیرند که مادر برگرد و حالا می‌خواهد از مشهد به محل زندگی‌اش برگردد.

پس از او، یک زن با چادر رنگی و سه‌بچه قد و نیم‌قد وارد اتاق می‌شوند. این زن هم هراسان است و بسیار خسته. می‌گوید شوهرش مدت‌هاست برای کار به ورامین تهران رفته و حالا با برادرشوهرش می‌خواهند پیش او بروند. نوی حرف‌هایش این هست که چند شب گذشته را بیرون از خانه خوابیده‌اند و البته بسیاری از اقوامشان به قول او در زلزله زیر خاک شده‌اند.

هر ماه بیمار می‌شوم

اما آن‌ها در جواب این سؤال که کار در مرز خطرناک است؟ می‌گویند که بله خیلی خطرناک است و اینجا به ما هر روز تذکرات لازم‌ر می‌دهند، اینکه درانبندید، دونفرتان حتما حواستان به افراد باشد که اگر با مورد خطرناکی روبه‌رو شدید، بتوانید از خودتان دفاع کنید. اما به‌جز خطرهای کار در مرز و اعصاب و حوصله‌قوی برای تعامل با مسافران، این توان جسمی خانم‌های گروهبان است که با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. دهقانی با خنده می‌گوید: به دلیل بازرسی‌های بدنی و نزدیک‌شدن به افراد، معمولاً به هر نوع ویروس سرماخوردگی که می‌آید، مبتلا می‌شوم. گروهبان کوهزاد هم اضافه می‌کند: ببینید، کارمان طوری است که اگر علاقه نداشته باشی، نمی‌توانی سختی‌هایش را تحمل کنی. پدرم نظامی بود و محل خدمتش سی سال هنگ مرزی تایباد بود و من با همین حال و هوا بزرگ شدم و از اول هم دوست داشتم وارد نظام شوم. بنابراین کارم را دوست دارم و سختی‌اش را هم تحمل می‌کنم. حرف گروهبان نوروزی هم همین است.

با هم اشک ریختیم

با شنیدن یک خاطره شیرین اما غم‌انگیز، زنان مرزبان در ایستگاه بازرسی دوغارون را ترک می‌کنیم و به خدا می‌سپاریم. وقتی گروهبان دهقانی کنار زن افغان نشست و با هم زار زار گریستند، او برای ما تعریف می‌کند: خانمی افغان از در اتاق که تو آمد، با سوز گریه می‌کرد. پرسیدیم چه شده و او می‌گفت، یک ماه پیش که به ایران می‌آمدم، سه نفر بودیم، من، دختر و پسر نوزده‌ساله‌ام. الان که دوباره به ایران می‌آییم، دونفریم فقط من و دخترم. پسرم را در افغانستان کشتند و شروع کرد به تعریف کردن از پسرش و اشک‌ریختن. من هم که بدیدم نمی‌توانم برای آرام کردنش حرف خاصی بزنم. او را نشاندم و خودم هم کنارش نشستم و گریه‌کردم.



خودرو دانش‌آموزان در آتش سوخت

دبیاا ظهر دیروز با اعلام یک فقره آتش‌سوزی خودرو در بولوار شهیدای ارتش، آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۴۰ و ۴۷ به محل اعزام شدند. با حضور آتش‌نشانان در محل مشخص شد که خودرو آتش گرفته. یک سواری پژو بوده است و سرنشینان آن شش دانش‌آموز پسر بوده‌اند که خوشبختانه راننده پس از مشاهده دود از قسمت عقب خودرو با هوشیاری به سرعت اقدام به توقف وسیله‌نقلیه و پیاده کردن دانش‌آموزان کرده است. امدادگران آتش را مهار کردند و به کسی آسیبی نرسید.

شیادی با همراه بانک جعلی

ابوعطا| مردان قصد داشت همراه بانک روی گوشی‌اش نصب کند تا برای هر کاربانکی کوچک‌پای عابر بانک نرود. اودر گوگل عنوان همراه بانک را وارد کرد و با دیدن اولین گزینه اقدام به نصب آن روی گوشی‌اش کرد. اما ساعتی بعد متوجه شد که نه‌تنها نرم‌افزار کار نمی‌کند، بلکه از حسابش ۸۰ میلیون تومان نیز برداشته شد. با شکایت مرد جوان، کارشناسان پلیس فتای مشهد پیگیری موضوع را در دستور کار قرار دادند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که اپلیکیشن مورد استفاده شاکی، جعلی بوده و متهم با سوءاستفاده از نام همراه بانک و دریافت مجوز دسترسی به تلفن همراه علاوه‌بر سرقت نام کاربری و رمز عبور همراه بانک، با دسترسی به پیام‌ها رمز یک‌بار مصرف را نیز دریافت و برای برداشت از حساب استفاده کرده است. کارشناسان پلیس فتا پس از به دست آمدن اطلاعات هویتی مجرم و با دستور ویژه سرهنگ احمد نگهبان، رئیس پلیس مشهد، ضمن هماهنگی با مقام قضایی متهم را در یکی از استان‌های مرکزی کشور در حال خرید قطعات کامپیوتر با پول سرقتی دستگیر کردند.

جدول ۳۸۵۴																			
ازما بهتران	پنیه زن	کالا	شترکش	خیس	ایت	اسب	تلخ	حریص											
نفیض کل	فشار الکتریکی	ترا و تمند	عربی پیدا کردن	الهه شکار یونانیان	جنجال جار و	ماده رساله	مشهد چمران	بیماری مرگامریکی											
کتابی از ورن ناشناس				عدد فوتبالی پول کره			شهرارگ سرچشمه												
سوخته چوب افعال چه وقت؟		بنیادی مادر پیامبر (ص)	زیاد رطوبت	فرزند فرزند	لقب شاه مغولی	ضربه شمشیر قبر توخالی		شیرابه خار شتر											
کتابی از استاد مطهری								نویسنده تاریخ تمدن											
پایتخت لسوتو	امید																		
نیز آسان																			
کاخ فرانسوی شهر فرانسه																			
جمع محرم گشتار سیاسی																			